

۱۵- تولید و باز تولید در جامعه سرمایه داری: نقش زنان

در امر تولید و باز تولید به شدت متأثر از استثمار امپریالیستی است. پرولتاریزه شدن می تواند به معنای جهنم بی پایان مهاجرت، یا کار بدون داشتن زمین، یا بیگاری و زندگی در خانه های فقیرنشین، برای میلیون ها زن باشد. برای زنانی که در کشورهای نیمه مستعمره مانند کره جنوبی که تا حدودی پیشرفت کرده، زندگی می کنند این می تواند به معنای حد نهایت استثمار باشد. تا نیروی جوانی باقی است بینوانی در تعقیب است تا بالاخره با بالارفتن سن، قدرت بدنی نیز، بر اثر سال های دراز کار (اغلب در سن ده سالگی شروع به کار می کنند) و ساعات طولانی کار روزانه و درآمد ناچیز، کاملاً تحلیل می رود. برای میلیون ها زن دیگر، این شرایط در کمال شقاوت راه را به سوی خود فروشی باز می کند (که در جاهانی مانند تایلند، خود صنعت گسترده است) یا به عنوان خدمتکار همسر (در اصل به عنوان برده) به وسیله مردان غربی، صادر می شوند (عروس های فیلیپینی برای فروش و یا صادرات زنان جوان سریلانکائی، دو نمونه از این تجارت مشمنزکننده بر روی زنان است).

زنان زحمتکش کشاورز دهات، باقی می مانند تا هر دو بار سنگین اداره امور خانه و کار بر روی زمین را انجام دهند. در کشورهایی هم که اصلاحات ارضی شده و یا اختلاف طبقاتی به حدی است که فقیرترین قشر مردم را بی زمین می گذارد، زنان بدون هیچ گونه تأمینی رها شده تا از خانواده خود نگهداری کنند و تنها امیدشان این باشد که شوهران شان با دستمزدی که در شهر می گیرند، خانواده را تأمین کنند.

ازدواج ها و ساختارهای خانواده سنتی یا نابود شده و یا اگر دوباره شکل گرفته اند، به نحوی می باشند که ستم گذشته را تشدید می نماید، زنان پرولتاریائی که از اطراف به شهرها فرار می کنند، مجبورند که درآمد خود را در راه خانواده

بی‌زمینی که در ده پشت سر گذاشته‌اند، از دست بدهند. بیشتر این زنان به کارهای تولیدی کشیده می‌شوند که دستمزدی کمتر از دستمزد مردان داشته و اغلب صرفاً فصلی است. تمام این مشکلات زمینه را برای تن دادن به خودفروشی یا قبول بردگی، در برابر گرسنگی، آماده و تحمیل می‌کند.

برای زنانی که در دهات باقی می‌مانند، به ویژه زنان آفریقایی، آشنایی با کشاورزی مدرن، بالاخص در رابطه با خرید و فروش در نظام سرمایه داری، سبب از دست دادن کنترل (به سبک مادر شاهی موروثی) بر روی زمین و تولید مواد غذایی می‌شود و این با وجود آن است که هنوز هم این زنان هستند که کار بر روی زمین را انجام می‌دهند. آن چه که باعث اجبار به ادامه کار در چنین شرایط ناهنجار و مغایری می‌شود، الزاماً به یافتن راهی برای تهیه غذا و امرار معاش کودکان و سالمندان خانواده است. اشکال قبلی ستم بر زنان جهیزیه، مهریه، ختنه زن، چند همسری، مرد-بوسیله امپریالیسم بر چیده نشده است، حتی اگر هم زمینه اجتماعی آن‌ها از بین رفته باشد. میلیون‌ها زن در آفریقا و در بعضی از کشورهای اسلامی از بیماری نداشتن احساسات جنسی ناشی از تأثیر ختنه رنج می‌برند. ده‌ها هزار تن در آسیای جنوبی تحت نام "عروس خانواده" وارد خانواده شوهر شده و زندگی را با کار و زحمت در آن خانواده می‌گذرانند.

با از بین رفتن ساختار سنتی پدرسالاری در خانواده، زنان می‌توانند بی‌پناه‌تر از گذشته شوند و این مسأله می‌تواند نتایج اسفبار و وحشتناکی مانند بالا رفتن میزان سوزاندن عروس در کشور هند، داشته باشد. پیشرفت‌هایی که سرمایه داری با خود مثلاً در زمینه‌ی آموزش و پرورش و پزشکی می‌آورد، به قدری ناچیز است که به بیش از مثنی مردم کشورهای امپریالیزم زده، کفاف نمی‌کند. سواد زنان هنوز از مردان کمتر است. با وجود تمام امکانات پزشکی، هنوز هم زنان هیچ کنترلی بر بارداری خود در کشورهای نیمه مستعمره ندارند. در آفریقا و آسیا هر سال، نیم میلیون زن در هنگام زایمان می‌میرند.

با توجه به چنین شرایطی از ستم، جای تعجبی نیست که زنان، به شوهران خود، در مبارزات علیه امپریالیزم پیوسته اند. در کشورهای مانند ویتنام، نیکاراگونه، فیلیپین، آنگولا و موزامبیک زنان اسلحه بدست گرفته و در مبارزاتی بسیار شجاعانه علیه امپریالیزم، مسلح به سلاح های سنگین و رژیم های داخلی وابسته به آن، جنگیده اند. اما بارها و بارها اهداف طبقه کارگر و زنان کشاورز، به وسیله رهبری ناسیونالیستی و خرده بورژوا که قدرت را به دست آورده و در سازش با امپریالیزم به خوش رقصی در آمده، به بی راهه کشیده شده و یا رهبران استالینیستی این جنبش ها با برقراری نظام بورکراتیک خود، بدترین چهره های یک زندگی خانوادگی کاپیتالیستی را مجدداً احیاء نموده اند.

در مواردی مانند ایران، نقش زیردست بودن سنتی زن، باعث شد که بعد از انقلابی که علیه شاه به وقوع پیوست، زنان با مسائل ضد انقلابی هولناکی از سوی آخوندها مواجه شوند. در مواردی دیگری، زنان واقعاً موفق بوده اند، به خصوص در زمینه هایی مانند سوادآموزی، بهداشت و درمان و حتا در بعضی موارد، در زمینه های حقوق دموکراتیک. بهر حال، بدون سرنگونی امپریالیزم یا حکام استالینیستی کشورهای در حال اضمحلال که از درون مبارزات ضد امپریالیستی بیرون آمده اند، حاصل تمام مبارزات زنان یا موقت خواهد بود، یا حذف شده و یا در ادامه استثمار از سوی امپریالیزم، بی معنی خواهند شد و خواسته های رفرمیستی یا نیازهای انگل وار بورکراتیک، بر اقتصاد با برنامه پیشی می جویند.

تمایل واپسگرایان در افغانستان در قربانی کردن برنامه سوادآموزی برای به توافق رسیدن با شورشیان واپس گرای اسلامی، خود نمونه اخیری از درجه و میزان خیانتی است که استالینیزم قادر است در رابطه با مسئله آزادی زن، مرتکب شود. ناسیونالیزم خرده بورژوا نیز دقیقاً به همین ترتیب همیشه خیانت کرده و باز هم خواهد کرد. تنها یک برنامه انقلاب مداومی که در آن دست یافتن به حقوق دموکراتیک واقعی و رسیدن به یک راه حل قابل پیشرفت در باره مسئله تقسیم اراضی

ریشه و طبیعت متغیر ستم بر زنان ۱۵- تولید و بازتولید در...

بتواند ارتباطی مستقیم با رسیدن طبقه کارگر به قدرت و سوسیالیزم داشته باشد، است که می تواند مبارزات زنان را علیه ستم به نتایجی موفقیت آمیز منتهی کند.